■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۵۵ ■ پنجشنبه ■ ۲۶ آبان ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۹ | اذان مغرب ۱۷/۱۶ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۵/۱۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۳

سخن روز

حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه:
در طلب دنیا معتدل باشید و حرص نزنید، زیرا به هر کس هر چه قسمت اوست می‌رسد.
سنن ابن ماجه، کتاب التجارات، ح ۲۱۳۳

هنرمندی که دستمزد میلیاردی می‌گیرد چرا استوری اعتراضی می‌گذارد؟

نوید اسماعیلی: بازیگری که همان ابتدای کار برای من شرط گذاشته بود تا پول من را کامل تسویه نکنید، مقابل دوربین نمی‌روم، امروز وقتی می‌گویم برای تبلیغ فیلم یک استوری بگذار، می‌گوید در این شرایط حاضر به تبلیغ فیلم نیستم! فیلم ما طی ۸ روز حدود ۶۰۰ میلیون تومان فروش داشته و این یعنی به اندازه خودش مردم از آن استقبال کرده‌اند. مهم این است که هر کدام از ما در جایگاهی که هستیم، بتوانیم به مردم خدمت کنیم. هنرمندی که در همین شرایط هم دستمزد میلیاردی‌اش را می‌گیرد چرا باید برای گوجه کیلویی ۲۰ هزار تومان استوری اعتراضی بگذارد؟ این انصاف نیست! این دروغ است. وقتی همه تفریحات و دورهمی‌هایتان سر جای خودش هست، چرا در فضای مجازی می‌خواهید تصویر دیگری از خودتان ارائه دهید؟ چرا باید دورو باشیم؟

بخشی از سخنان کارگردان فیلم سینمایی «طبقه یک و نیم» در گفت‌وگو با مهر

مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست
تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست
واله و شیداست دائم همچو بلبل در قفس
طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست

شاعر : حافظ شیرازی

نگاره
حمید صوفی

نفت و فوتبال

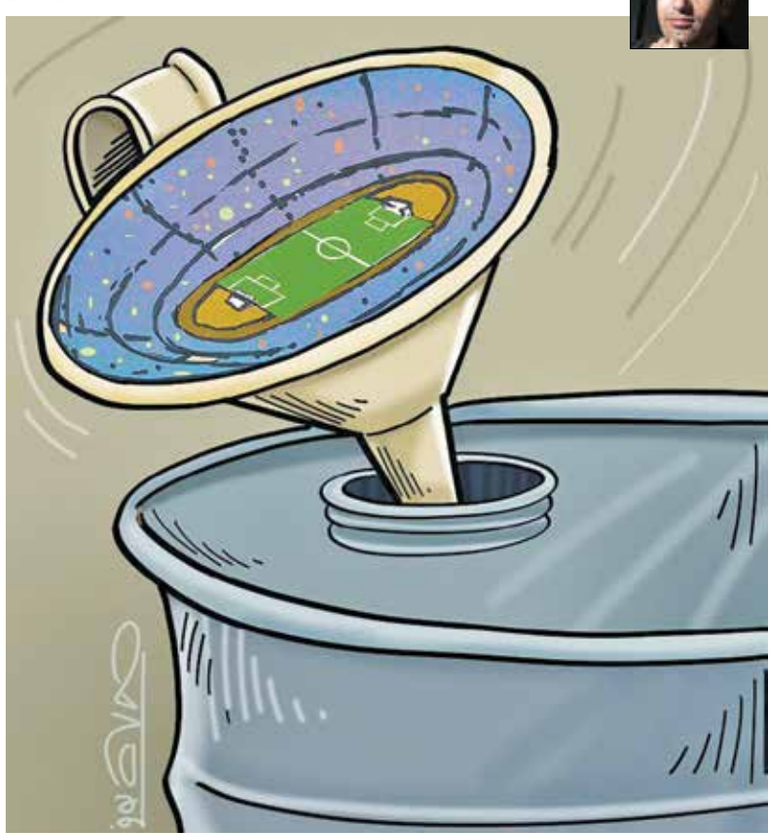

هنرمندان در فضای مجازی

خبر خوب اینکه پردیسی به پردیس‌های سینمایی ایران اضافه شد و با این حساب ظرفیت اکران به اندازه یک پردیس تازه بالاتر رفت و خبر بد اینکه متأسفانه ناصر تکمیل همایون جامعه‌شناس و تاریخ‌نگار دیروز بر اثر ایست قلبی درگذشت.

■ **یاد**

ناصر تکمیل‌همایون (جامعه‌شناس و تاریخ‌نگار) در پی ایست قلبی و در سن ۸۶ سالگی از دنیا رفت. دیروز فرزند ناصر تکمیل‌همایون با تأیید این خبر به ایسنا، گفت: احتمالاً مراسم خاکسپاری او روز جمعه ۲۷ آبان‌ماه در قزوین برگزار می‌شود. تکمیل‌همایون متولد ۱۳۱۵ در قزوین بود. او دوره کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی و کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران گذراند و دوره دکترای تاریخ و دکترای جامعه‌شناسی را در دانشگاه پاریس به پایان برد. از جمله آثار او می‌توان به «تاریخ ایران در یک نگاه»، «آموزش و پرورش در ایران»، «آبسکون یا جزیره آشوراده»، «سلطانیه»، «دانشگاه گندی‌شاپور»، «تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران»، «از آغاز تا دارالخلافه ناصری» «مشروطه‌خواهی ایرانیان (مجموعه مقالات)» و «جاده ابریشم» اشاره کرد.

■ **سینما**

سازنده مجموعه «غیررسمی» با اشاره به قسمت جدید این مجموعه که درباره دیدار رهبر انقلاب با فعالان گروه‌های جهادی است، بیان کرد: علاوه بر این جلسه، این مستند بخش‌های دیده نشده دیگری هم دارد. علی صدری‌نیا که پخش تازه‌ترین قسمت از مجموعه تازه‌اش برای جمعه ۲۷ آبان‌ماه تدارک دیده شده در گفت‌وگو با مهر، گفت: مجموعه مستند «غیررسمی» از قسمت ابتدایی تا چهار قسمتی که تا حالا پخش شده، همیشه سعی بر نمایش موضوعات جدید داشته است. تلاش کردیم سراغ زاویه‌ای برای بیان روایت‌های تازه برویم و این مجموعه به تکرار نیفتد و به این ترتیب، هم ابعاد تازه‌ای از پنجشنبه‌های رهبر انقلاب با نخبگان حوزه‌های مختلف مطرح کنیم و هم زاویه جدیدی از شخصیت یا فعالیت‌های ایشان باشد. صدری‌نیا درباره موضوع قسمت جدید عنوان کرد: در قسمت پنجم هم این تلاش را داشتیم که سراغ موضوع و روایت متفاوتی برویم و به بهانه دیدار برخی از فعالان جهادی و گروه‌های خدمت‌رسانی به مناطق محروم با رهبر انقلاب، سراغ موضوع اهمیت خدمت‌رسانی به مناطق محروم نیز رفتیم. در این قسمت روایت جلسه، هم بخش‌ها و نکات مهمی دارد و هم بخش‌های دیده نشده‌ای دارد که برای اولین‌بار به پخش می‌رسد.

پردیس سینمایی مهر شاهد تهران پس از بازسازی، ۲۹ آبان‌ماه با برگزاری برنامه ویژه انیمیشن «لوپتو» به شکل رسمی به چرخه اکران افزوده می‌شود. سینما مهر شاهد در این طرح بازسازی به پردیسی مجهز با ظرفیت ۶۵۷ صندلی و ۶ سالن با کیفیت تصاویر 4k و صدای دالبی دیجیتال در همه سالن‌ها با درجه مدرن سینمایی تبدیل شده است. سالن اصلی این سینما با نام سبلان با ظرفیت ۳۸۰ صندلی، سالن شقایق ۱۰۴ صندلی، سالن شیدا ۹۰ صندلی، سالن رنگین‌کمان ۲۹ صندلی، کافه سکانس ۴۴ صندلی و در نهایت سالن موناکو با ظرفیت ۱۰ نفر به شکل صندلی میهمان و مجموع ۶۵۷ صندلی در خدمت علاقه‌مندان به سینما قرار می‌گیرد.

■ **رسانه**

«دیدی‌نو» برنامه‌ای ترکیبی در حوزه کتاب است که شبکه نسیم همزمان با هفته کتاب این برنامه را روی آنتن می‌برد، اما مجری برنامه برخلاف آنچه پیش‌تر اعلام شده بود، حمید گلی نیست و شهرام شکیبا آن را اجرا می‌کند؛ برنامه‌ای که به نظر قرار است جای برنامه پرمخاطب «کتاب‌باز» را پرکند. مهران میرصالحی ـ تهیه‌کننده برنامه «دیدی‌نو» ـ در گفت‌وگویی با ایسنا، درباره انتخاب مجری گفته است: «مجری‌ای که برای این کار مدنظرمان بود، اولین خصیصه‌اش باید اهل کتاب بودن می‌بود که آقای گلی این خصیصه را داشتند و بسیار اهل مطالعه هستند. ضمن اینکه ایشان اجرای خارج از برنامه کودکان هم در شبکه‌های مختلف داشتند. بر این اساس قرار شد آقای گلی در برنامه حضور داشته باشند اما به دلیل تعویق در آماده‌سازی دکور و پیش نرفتن برنامه، از نظر زمانبندی به مشکل برخوردیم و در نتیجه برای اجرای این پروژه و پروژه‌ای که قبلاً آقای گلی به آن تعهد داده بود، تداخل پیش آمد. بنابراین ایشان امکان همکاری با ما را نداشتند و آقای شکیبا قبول زحمت کردند و ما در خدمت ایشان هستیم.»

■ **کتاب**

مراسم رونمایی از کتاب «روزهای پیام‌بری» به قلم روح‌الله شریفی شرح خاطرات غلامحسن حدادزادگان، پیام‌رسان و راننده پیکر شهدا با حضور مسئولان استان قزوین، حوزه هنری انقلاب اسلامی، انتشارات سوره مهر، جمعی از خانواده‌های شهدا و دوستداران کتاب و کتابخوانی در سالن اجتماعات کتابخانه امام خمینی(ره) قزوین برگزار شد. در بخشی از این مراسم محمدمهدی دادمان، رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی پشت تریبون رفت و از «روزهای پیام‌بری» به‌عنوان کتابی ناب و درجه یک یاد کرد. دادمان ابراز امیدواری کرد با انتشار «روزهای پیام‌بری» فصل جدیدی در ادبیات پایداری و تاریخ شفاهی ایران اسلامی با همت دلبستگان این حوزه آغاز شود. مرتضی سرهنگی، مسئول دفتر ادبیات مقاومت حوزه هنری انقلاب اسلامی در این نشست با تأکید بر اینکه لازم است تمامی خاطرات جنگ مکتوب و نگهداری شود، گفت: ریش‌سفیدانی که امروز تجربه حضور در جنگ را دارند باید دست به قلم شوند و خاطراتشان را بنویسند؛ خاطراتی که نوشته نشوند گویی رخ نداده‌اند. کتاب «روزهای پیام‌بری» در چهار فصل «ماشین داماد»، «در برابر امواج»، «روزهای پیام‌بری» و «شهر باران» و ۴۳ بخش نوشته شده است.

ماجراهای خانم آقای او

به از ما نباشد، بعضی‌ها کتاب هم می‌خوانند!

طنز

ریحانه ابراهیم‌زادگان
شاعر و طنزپرداز

طفل صغیر که بودیم دلمان پر می‌کشید آخرهفته برویم خانه‌باغ حاج عمو؛ یک اتاقکی داشتند ته باغ، در کج و کنجولش به زور لنگ و لگد باز می‌شد که در آن تا بیخ سقف کتاب چیده بودند از اصول فلسفه و روش رئالیسم تا ملت عشق و مؤدب‌پور... می‌خزیدیم نبشی اتاق، ده-بیست-سی-چهل کرده یکی برمی‌داشتیم فرو می‌رفتیم توی کتاب‌ها. غروب خان‌جان شاکی می‌آمد سراغ‌مان قازی پنیر تبریز و گردو می‌داد دست‌مان ضعف نکنیم؛ خوش‌اش می‌آمد عوض ماتیک و ریمل، کتاب دست‌مان می‌گیریم. الغرض از همان کم‌سالگی به فرزانگی و خرد و فراست شهره بودیم... قوم و خویش‌مان روی فهم و درک‌مان حساب باز کرده بودند، الحمدلله دائما و ابدا، مباهی شدیم سربلندشان کردیم. فی‌الحال فرض نکنید زاویه‌نشین مطبخیم پیازداغ می‌کنیم از بی‌هنری است، همه قسم هنری از سرانگشت‌مان می‌بارد، زنیت و خانه‌داری یک از هزار است؛ لاکن کتاب از دستمان نمی‌افتد ولو در باب پخت و پز. نوبه‌ای خیال می‌کردیم صبیه دایی آقای او هم کم اهل مطالعه و تتبع نیست، هر گوشه منزل‌شان تفحص می‌کردیم کتاب پیدا می‌شد؛ لاکن گمان می‌کردیم کلفت-نوکر دارند می‌آید برایش به نظم و قاعده می‌چیند؛ به رنگ سوا، به قواره سوا. به سیاق ما پس در خلا هم کتاب چیده بود؛ کیفور بودیم مشابه ما خوش ندارند اوقات‌شان به بطالت بگذرد. روی برداشتن و تورق نداشتیم لاکن هربار می‌دیدیم توی دل‌مان تحسین می‌کردیم با کتاب انس دارد. یک بعدازظهری منزل‌شان وعده داشتیم به صرف چای، گعده زنانه؛ ما که اهل میهمانی زنانه نیستیم، دل و دماغ قرتی قربیلک بازی نداریم، معهذا منزل صبیه دایی آقای او توفیر می‌کرد. مگر چند فقره قوم و خویش ممتاز و فخیم داشتیم که از خیر نشست و برخاست بگذریم. کیفور و سردماغ پاشدیم مفتخرشان کردیم به حضور. یک گوشه نشسته بودیم از صدای بگو بخند جمع سرسام شده گفتیم پناه ببریم به یکی از کتاب‌ها، رخصت گرفتیم اسائه ادب نباشد؛ چندتا کتاب خوش منظره با جلد خارجکی که مسجل بود گران‌قیمت و نفیسند چیده بودند روی میز، «خانم دلوی» را برداشتیم تورق کنم. چشمتان روز بد نبیند؛ باز کردیم دیدیم پاستیل و آب نبات ریختند توی کتاب! جلد داشت ورق نداشت. مغزمان کانهو توپ بسکتبال، به کاسه سرمان می‌خورد و برمی‌گشت. مات و متحیر زل زده بودیم به کتاب خوراکی‌ها، با صدای صبیه دایی آقای او به خودمان آمدیم که می‌گفت: «بفرمایید، از آب گذشته است.» به حق چیزهای ندیده و نشنیده، این فرنگی‌های عاطل و باطل دل و روده کتاب را خالی می‌کنند تویش پاستیل و آب نبات می‌ریزند که بگویند ما خیلی کتاب می‌خوریم؟ کتاب پاستیل و آب نبات را گذاشتیم کنار، «دیوید کاپرفیلد» برداشتیم، پسته و فندق بود، ترسیدیم «جنایت و مکافات» برداریم به گز و سوهان برسیم. کتاب‌ها را عودت دادیم سرجایشان. به سرگدا افتاده بودیم. گفتیم برویم آبی به سر و رویمان بزنیم حالمان روبه راه شود. پس در خلا چشم‌مان به همان کتب مذکور افتاد، شیطان رفت به جلدمان صحت‌شان را بسنجیم، هرچه نباشد آب نبات و پسته پس در خلا نمی‌گذارند. آمدیم تورق کنیم هرچه کردیم کتاب باز نشد. به قاعده ظرف و ظروف هم به کار نمی‌آمدند، کانهو مترسک سر جالیز به جهت تزئین و ادا اصول و افاده و سخریه لودگی گذاشته بودند پس در. خدا نصیبتان نکند، مدمغ و کلافه برگشتیم به تحسر نگاهی به کتب کتابخانه انداختیم دستمان آمد همه مجعول و بدلی است.

به از ما نباشد، بعضی‌ها کتاب هم می‌خوانند. فی‌المثل همین ۱۰ روز نمایشگاه کتاب؛ خودمان دیدیم ملت چطور به ضرب و زور، خودشان را می‌رسانند خروار خروار کتاب می‌خرند، مترو و پارکینگ جای سوزن انداختن ندارد. می‌روی سراغ این ماسماسک وامانده هر استوری را رؤیت می‌کنی لیست پیشنهاد کتبی است که مطالعه شده و فوتوی کتب ابتیاع

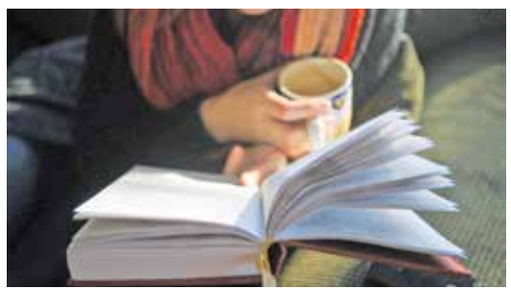

شده به قر و فر اینستاگرام ثبت شده. خیلی‌ها اهل کتاب و فضل و کمالاتند. مع‌الوصف عده‌ای به قلت، به سیاق صبیه دایی آقای او، مخل عدد و رقم جماعت کثیر کتابخوان می‌شوند، آمارغلط می‌شود، خیال می‌کنیم سرانه مطالعه پایین است. مگر در نمایشگاه کتاب، کتاب پاستیل و پسته و کتاب دربسته پیدا می‌شود؟ آدم کتاب می‌خرد بخواند دیگر.

حمل بر خودستایی نباشد، برای نوبه چندم به کمالات و درک و شعور و وقوف خودمان ایمان آوردیم. برگشتیم منزل چای ریختیم، نشستیم یک گوشه «گتسبی بزرگ» خواندیم، جهت سلامتی خودمان اسپند دود کردیم که یک تنه سرانه مطالعه کشور را بالا می‌بریم، توی کتاب‌هایمان پسته و پاستیل پیدا نمی‌شود.

آزادسازی سوسنگرد الهام بخش وحدت ملی

یادبود

اسماعیل علوی
دبیرگروه پایداری

حکومت بعث عراق که با بلندپروازی و جاه‌طلبی صدام درصدد ارتقای موقعیت ژئوپلیتیک در منطقه بود، در آغاز نیمه دوم سال ۱۳۵۹ جنگی طولانی و گسترده را به کشورمان تحمیل کرد، با این هدف که محدودیت‌های جغرافیایی خود را از میان بردارد. تصور دیکتاتور بغداد از وضعیت کشورش آن بود که تنها با تجزیه خوزستان ایران و الصاق آن به عراق می‌تواند به نحو پایداری بر شرایط نامناسب ژئوپلیتیکی واحد سیاسی خود فائق آید. از این‌رو مترصد فرصتی بود تا از طریق جدا کردن حداقل بخش‌هایی از خوزستان، از محدودیت و ضعف جغرافیایی خود بکاهد. به زعم رئیس دولت عراق وقوع انقلاب اسلامی در ایران و روی کارآمدن نظام نوپای جمهوری اسلامی، فرصتی تاریخی برای تحقق این رؤیا بود، چرا که شیرازه ایران با فروپاشی نظم قبلی از هم گسسته و نظم و سامان تازه‌ای نیز هنوز استوار نشده است. لذا فرصت مناسبی جهت برآوردن آرزوهای بزرگ فراهم است! این بود که صدام با هدف تجزیه خوزستان، ارتش خود را از مرزها عبور داده و بر خاک کشورمان ردی از تجاوز ترسیم کرد. صدام در این راستا علاوه بر تحقق رؤیای شیرین حاکمیت مطلق بر اروندرود، تسهیل و تسریع در دسترسی به خلیج فارس، بهره‌برداری از بنادر خود به نحو مطلوب و به دور از نگرانی‌های امنیتی، جهت مبادلات تجاری و نفتی، خواب ژاندارمی منطقه را نیز می‌دید؛ توهمی که سرانجام شومی برای دیکتاتور بغداد رقم زد.

از همان ابتدا پیدا بود که هجوم سرتاسری ارتش بعث عراق به نوار مرزی غرب و جنوب یک هدف اصلی بیشتر ندارد و آن تجزیه خوزستان است. لازمه این کار تصرف شهرها و روستاهای مسیر یکی پس از دیگری برای رسیدن به مرکز استان بود. در این میان سوسنگرد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود، زیرا با اشغال آن مسیر دستیابی به اهواز تسهیل و ایده سقوط کوتاه‌مدت خوزستان محقق می‌شد. این بود که لشکر ۹ ارتش بعث عراق از پرتوان‌ترین لشکرهای ارتش عراق به فرماندهی «تالی الدوری» مأموریت یافت تا با عبور از تنگه چذابه و تصرف بستان، سوسنگرد و حمیدیه را به اشغال درآورده و از آن موقعیت برای تصرف اهواز اقدام کند. الدوری موفق شد در هشتمین روز جنگ، سوسنگرد را به اشغال درآورده و برای ادامه مأموریت خود برنامه‌ریزی کند. حمله به سوسنگرد آنچنان غافلگیرانه صورت گرفت که هنوز بسیاری از جمعیت ۱۶ هزار نفری سوسنگرد در شهر حضور داشتند و اشغالگران توانستند فرماندار و خانواده‌اش را به اسارت بگیرند. اما خیلی زود ورق برگشت و با بیدار شدن عزم ملی، جمعی داوطلب از میان غیورمردان سپاه، ارتش و نیروهای مردمی اجازه ندادند سوسنگرد بیش از ۴ روز در اشغال دشمن بماند و طعم تلخ اولین شکست را به ارتش متجاوز صدام چشاندند. این جمع کوچک به فرماندهی «غیور اصلی» از دلیرمردان ارتش که مأمور خدمت به سپاه خوزستان بود، با سلاح‌های انفرادی و معمولی ده‌ها تانک دشمن را به آتش کشیده و ۲۲ تانک آنان را سالم به غنیمت گرفتند و دشمن را وادار به عقب‌نشینی کردند. اما سوسنگرد موقعیتی نبود که بتوان از آن صرف‌نظر کرد، زیرا سوسنگرد کلید فتح اهواز محسوب می‌شد، این بود که دشمن این بار با تجهیزات و نفرات بیشتر سراغ این شهر آمد. در این فاصله حفاظت از شهر به نیروهایی از سپاه پاسداران که عمده‌ترین آنان را سپاه تبریز به فرماندهی سردار علی تجلایی تشکیل می‌داد، سپرده شد.

ارتش بعث عراق با آمادگی و امکانات فوق‌العاده به محاصره شهر پرداخت و با آتش تقریباً ۲۴ ساعته هیچ نقطه امنی برای مدافعان باقی نگذاشت، به‌طوری که آسمان شهر با دود غلیظی پوشیده شده بود. در ادامه با نفوذ دادن تانک‌های خود به درون شهر، جنگ نفر و تانک را رقم می‌زنند تا جایی که هر ساعت تنی چند از مدافعان در خون خود غلتیده و از نفراتشان کم می‌شود. در این میان شهید تجلایی ضمن تماس با آیت‌الله مدنی وضعیت را برای ایشان تشریح کرده و تأکید می‌کند اگر هرچه زودتر به کمک مدافعان نیایند مقاومت آنان درهم شکسته و همگی به شهادت خواهند رسید. با انتقال پیام شهید تجلایی به امام خمینی(ره) دستورالعمل «تا فردا باید سوسنگرد آزاد شود» از سوی فرماندهی کل قوا صادر و نیروهای مستعد برای تحقق خواسته امام بسیج شده و طی عملیاتی ظرف ۲۴ ساعت سوسنگرد برای همیشه از معرض سقوط می‌رهد.

آزادسازی سوسنگرد (۲۶ آبان ۱۳۵۹) از نقاط درخشان و الهام‌بخش تاریخ ۸ سال دفاع مقدس و مقدمه خروج تدریجی جبهه‌های نبرد از بن‌بست ناشی از رویکرد تفکر لیبرالی جاری در صحنه اداره جنگ که بنی‌صدر آن را نمایندگی می‌کرد، شد.

خوانشی متفاوت از مفهوم عشق

پیشنهاد

مسعود طاهری
فیلمساز

کتاب« درباره عشق» ترجمه آرش نراقی مجموعه مقالاتی از چند نویسنده و صاحبنظر بزرگ غربی همچون رابرت سالومون، رابرت نوزیک، مارتا نوسباوم و... است. نویسندگانی که از شاخص‌ترین چهره‌های فلسفه و تفکر در دنیای معاصر هستند و هر یک کوشیده‌اند تا از دیدگاه تخصصی خود، مسائل و نتایج مرتبط با عشق را بررسی کنند.

آنها نگاهی را که نسبت به کلمه love وجود دارد بررسی کرده‌اند. ترجمه love به فارسی به معنای عشق تمام بار معنایی کلمه را ادا نمی‌کند. صاحبنظران غربی ما به ازاهایی را که در کنار کلمه عشق وجود دارد توضیح می‌دهند. آنها عشق را از منظر افلاطون و یا در دوره مدرنیته توضیح می‌دهند اما حواشی این کلمه هم با آن به مخاطب منتقل می‌شود و ما با فرهنگ عشق در غرب بیشتر آشنا می‌شویم. در صورتی که عشق در بافت فرهنگی ما یک معنای دیگری دارد به طوری که اگر بخواهیم معنای عشق را بفهمیم باید به نوشته‌های عین القضاة همدانی و احمد غزالی مراجعه کنیم. اینها نویسندگانی هستند که خیلی مطلب راجع به عشق نوشته‌اند و اگر این دو نوع نگاه را بخوانیم، می‌فهمیم عشق چقدر در این دو فرهنگ و دیدگاه با هم فرق می‌کند و این به ما کمک می‌کند تا بفهمیم مفهوم ساده کلمه love که همه درباره‌اش فکر می‌کنیم که همان عشق است، چقدر در دیدگاه های افراد در دنیا متفاوت است و در نگاه های امروز ما هم تأثیرگذار است. در این کتاب مقاله اول با عنوان «خطابه الکیبیادس» از مارتا نوسباوم، فیلسوف امریکایی است که در آن با خوانشی تازه از رساله ضیافت افلاطون روبه‌رو می‌شویم. در این رساله مفهوم عشق افلاطونی مطرح می‌شود. مقاله دوم از رابرت سالومون است. این فیلسوف امریکایی در مقاله خود به دفاع از احساساتی‌گری عاشقانه در برابر انتقادات فیلسوفانی پرداخته است که اینگونه تأثرات را تحقیر می‌کنند.

مقاله سوم هم از رابرت نوزیک است، این نظریه‌پرداز که بواسطه آرای خود در باب تئوری‌های آگاهی نام بردار است، عشق را عاملی برای تشکیل هویت فرض می‌کند، هویت تازه‌ای که معضلاتی متافیزیکی دربر دارد و موضوع این مقاله نیز بررسی ویژگی‌های این هویت جدید است. در مقاله بعدی با عنوان «عشق‌های مخاطره‌آمیز» از آنت بایر، تعبیر «الهیاتی از عشق» در برابر تعبیر «طبیعت‌گرا» از این مفهوم قرار داده می‌شود و در مقاله آخرهم با عنوان «درباره آینده عشق: روسو و فمینیست‌های رادیکال»، موضوع عشق از دیدگاه فمینیسم بررسی می‌شود. نویسنده این مقاله متخصص فلسفه حقوق است و در این نوشتار به نقد نظریات روسو در باب عشق می‌پردازد.

خواندن این کتاب باعث می‌شود خواننده با مفهوم عمیق عشق از نگاه فلاسفه غرب و فرهنگ مغرب زمین آشنا شود.

■ **درباره عشق**
■ **مقالاتی از فلاسفه شهیر غرب**
■ **مترجم: آرش نراقی**
■ **نشرنی**

هنر برنامه‌ریزی

هنر و روان

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

همه انسان‌ها در طول زندگی خود با انواعی از فعالیت‌ها و کارها مواجهند که ملزم به انجام آنها هستند. فعالیت‌ها را می‌توان به دو بخش الزام و بدون الزام اجرایی تقسیم کرد. هر کدام از این تقسیم‌بندی‌ها خود دارای زیرمجموعه‌های بسیاری از فعالیت‌ها است که در صورت اجرای درست و بموقع، نتایج آن را در عملکرد فرد می‌توان دید. فعالیت‌ها فرایندهایی هستند که از شروع تا پایان، تحت‌تأثیر بسیاری از عوامل قرار دارند که می‌تواند در روند اجرایی و نتیجه به دست آمده اثرگذار باشد. هر قسمت از بندهای فرایندهای اجرایی فعالیت‌ها از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است که یکی از موارد بسیار مهم آن برنامه‌ریزی است.

برنامه‌ریزی در درون خود به چند شاخه و قسمت مهم‌تر تقسیم می‌شود مانند: اولویت‌بندی، زمانبندی، در نظر گرفتن محل فعالیت فرد یا افراد اجراکننده و... که از اهمیت زیادی برخوردار هستند. هر فعالیتی که برای رسیدن به اهداف مشخص‌شده‌اش تلاش کند و بخواهد در راستای دستیابی به عملکردی که تعریف کرده‌اند گام بردارد، نیازمند داشتن فردی است که مهارت برنامه‌ریزی در کارها را بداند. این مهارت فردی نوعی هنر فردی محسوب می‌شود که نتیجه آن مانند خلق یک اثر هنری می‌تواند چشم‌نواز و روح‌نواز باشد.

تأثیری را که هنر برنامه‌ریزی روی روان افراد می‌گذارد می‌توان چنین توصیف کرد: وقتی فردی مهارت و هنر برنامه‌ریزی را کسب کرده باشد و بتواند این فرایند را به طور کامل انجام دهد، اگر حتی یک فعالیت به‌هم ریخته و ناقص را تحویل بگیرد، با کمی تأمل و چیدمان درست می‌تواند از گام اول تا انتهای فرایند اجرایی را برنامه‌ریزی کند و افراد و گروه‌های اجرایی را چیدمان کرده و مرحله اجرا را آغاز نماید. در این بین اولین اثر این هنر، آرامشی است که بر روان خود فرد اثر می‌گذارد.

چون نمودار اجرایی فعالیت را ترسیم کرده و به آن اشراف کامل دارد، نظم را در کارهای خود وارد کرده و افراد گروه را نیز غیرمستقیم در چرخه منظم اجرایی قرار می‌دهد و افراد گروه نیز با داشتن برنامه منظم می‌توانند به کارهای خود رسیدگی کنند و در نهایت عملکرد نهایی آنها مانند یک اثر هنری معتبر و قابل ارزیابی ارائه می‌شود.

عکس نوشت

سیدمجید امامی دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور با اشاره به نامگذاری روز ۲۵ آبان به نام روز اصفهان بواسطه تشییع ۳۷۰ شهید در این تاریخ گفت: «درج این روز در تقویم رسمی کشور یک ادای دین نیست، بلکه ساختن آینده است. ان شاءالله تا پایان دولت سایر استان‌ها هم طبق آیین نامه در تقویم رسمی کشور، صاحب روزی خواهند شد.»/ ایرنا